فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc471117844)

[دلایل عدم شمول خطابات برای غیر مشافهین یا معدومین 2](#_Toc471117845)

[دلیل اول: عدم تعلق تکلیف به غیر مشافه و معدوم 2](#_Toc471117846)

[جواب 2](#_Toc471117847)

[دلیل دوم: محدود بودن ظهورات به مشافهین و موجودین 2](#_Toc471117848)

[جواب 3](#_Toc471117849)

[محدود کردن حجیت ظواهر به دلیل لبّی 3](#_Toc471117850)

[دلیل سوم: دخیل بودن قرائن حالیه در ظهورات 4](#_Toc471117851)

[جواب 4](#_Toc471117852)

[دلیل چهارم: خطابات در «یا ایها الذین امنوا» 5](#_Toc471117853)

[جواب 5](#_Toc471117854)

[تأثیر قرار مخاطب در چهار استدلال ذکر شده 6](#_Toc471117855)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ شمول خطاب نسبت به غیرمشافهین و معدومین

# اشاره

گفته شد که در برابر این سؤال که آیا خطابات شارع شامل غیر مشافهین هم می‌شود یا نه؟ چند مقام در اینجا هست:

1- مقام ثبوت عقلی

2- مقامات مربوط به ظهورات و الفاظ و خطابات.

## دلایل عدم شمول خطابات برای غیر مشافهین یا معدومین

چند دلیل وجود دارد که نمی‌شود خطابات و احکام؛ شامل غیر مشافهین یا معدومین در عصر صدور خطابات بشود:

### دلیل اول: عدم تعلق تکلیف به غیر مشافه و معدوم

دلیل اول این است که؛ کسی بگوید؛ اصلاً معدوم یا غیر مشافه و بخصوص معدوم؛ نمی‌تواند جعلی برای او بشود و متعلق تکلیفی قرار بگیرد.

### جواب

در جواب گفته می‌شود که به نحو فعلی منجز؛ نمی‌شود برای کسی که معدوم هست؛ تکلیف جعل کرد، اما به نحو قضایای حقیقیه، یا به نحو فرض می‌شود؛ جعل کرد، مرحوم نائینی و مرحوم امام در مورد اینکه قضایای حقیقیه چیست؛ مطالبی دارند که ما این مطالب را قبول نداریم، اما نظریه‌ای که فلاسفه و به شکلی مرحوم مطهری می‌فرمایند؛ درست است.

### دلیل دوم: محدود بودن ظهورات به مشافهین و موجودین

دلیل دوم این است که کسی بگوید که ظهورات از نظر سیره عقلائیه، محدود به مشافهین یا لااقل موجودین در عصر خطاب است، ازنظر سیره عقلا، مطالبی که جایی نوشته می‌شود یا خطابی درجایی وارد می‌شود و ظهوری که منعقد می‌شود؛ ظهور کلام مربوط به کسی است که؛ موجود است و این سخن را می‌شنود یا لااقل در عصر صدور خطاب حاضر است، اما کسی که حاضر نیست، یا معدوم هست؛ ظهورات او را در برنمی‌گیرد و مخاطب این ظهورات نیست.

امکان دارد کسی این‌طور استدلال بکند که؛ مبنای ظهورات و حجیّت ظهورات؛ دلایل سیره و دلیل لبّی است و فقط شامل ظهورات برای مخاطبین در عصر صدور کلام می‌شود، برای اینکه عصر ظهور و حجیّت ظهور؛ بر اساس سیره عقلائیه است، سیره عقلائیه؛ دلیل لبّی است و در دلیل لبّی باید قدر متیقن را گرفت و قدر متیقن؛ حاضران در عصر صدور کلام هستند، اما غائبان و معدومین در آن عصر؛ مشمول این بحث نمی‌شوند.

### جواب

جواب این مسئله اینکه درست است که سیره عقلائیه مبنای حجیّت ظهورات است و دلیل هم لبّی است، اما اگر کسی دقت بکند؛ حکم عقلا و سیره عقلا در حجیت ظهورات برای نسل‌های بعد؛ تابعی از قرار اولی متکلم و گوینده است، گاهی گوینده و متکلم قرارش بر این است که؛ حرفی فقط برای این نسل بزند، اگر این باشد؛ در حجیّت ظهورات برای نسل بعد؛ سیره عقلا هم بیانش این است که برای نسل آینده حجت نیست، اما عقلا بفهمند که این قانون‌گذار یا این شارع و این گوینده؛ حرف‌هایش را به یک نسل خاصی اختصاص نداده است، قطعاً سیره عقلا این خواهد بود که این مطلب برای نسل‌های بعدی حجت است.

### محدود کردن حجیت ظواهر به دلیل لبّی

لذا سیره عقلایی که می‌گویید؛ حجیت ظهورات محدود به دلیل لبّی است و منحصر به مخاطبین همان نسل و نسل‌های بعد را در برنمی‌گیرد، به طور مطلق این نمی‌شود حرف را زد، بلکه تابع این است که؛ ببینیم خود گوینده؛ خودش را در چه جایگاهی قرار داده است و چه ادعایی دارد، اگر ادعایی برای بعدی‌ها ندارد؛ ظهور فقط برای همان نسل است، اما اگر خود او می‌گوید که؛ «**الا فلیبلغ الشاهد الغائب**»، «کافة للناس» و چیزهایی از این قبیل را از گوینده بفهمد؛ شمول پیدا می‌کند.

 بنابراین سیره عقلا، تابعی از یک متغیر دیگر است، باید ببیند وضع او و جایگاه او چه جایگاهی است، اگر جایگاهش را محدود تصویر کرده؛ برای نسل آینده حجیّت ندارد، اگر جایگاه خودش را محدود تصویر نکرده؛ برای نسل‌های آینده هم حجیّت دارد، اگر شک بکند؛ اصل عدم حجیّت است، لذا اگر دلیل دوم؛ مبتنی ‌شود بر اینکه گوینده در یک نسلی محدود باشد، یا اینکه شک داشته باشیم که؛ قرار و مبنا و علی‌الاصولش همگانی و همیشگی حرف زدن هست یا نه یا اطلاقاتی نداشته باشیم که؛ برای این نسل است یا نسل آینده هم در برمی‌گیرد، سیره عقلا می‌گوید؛ ظهوراتش به همین شکل هست که فقط محدود به همان نسل صدور کلام است. در ارتباط با اطلاقات اصولیون به این مطلب زیاد نپرداخته‌اند، باید بگردیم و ببینیم؛ اطلاقی هست که؛ بیان داشته باشد؛ هر سخنی که از متکلم صادر می‌شود؛ برای همه هست، اگر این اطلاق را داشته باشیم؛ این اشکال دوم رفع و دفع می‌شود.

## دلیل سوم: دخیل بودن قرائن حالیه در ظهورات

دلیل سوم که کسی برای محدود شدن استظهارات می‌تواند ارائه بکند؛ این است که؛ بحث‌های هرمنوتیکی را به میان بکشد یا قریب به بحث‌های هرمنوتیکی را به میان بکشد. کسی بگوید؛ ظهورات کلام با مجموعه‌ای از قرائن حالیه شکل می‌گیرد و قرائن حالیه برای کسانی هست که در فرایند گفتگویی و فضای محاوره‌ای قرار داشته باشند، اگر بخواهیم بیشتر تعمیم بدهیم؛ برای کسانی است که؛ در فضای محاوره مدینه و مسجد امام صادق علیه‌السلام هستند، اما برای کسانی که فاصله دوری دارند و به‌ویژه برای کسی که؛ در نسل‌های بعد خواهد آمد؛ این فضا دیگر نیست و تمام‌شده، فضا درواقع؛ مجموعه قرائن حافه است و وقتی آن وجود ندارد؛ این ظهورات برای آن‌ها وجود ندارد، ظهور هنگامی منعقد می‌شود و حجت است که؛ شخص در آن فرایند گفتگو یا در فضای صدور نص؛ حضورداشته باشد، در آن فضا که وجود دارد؛ خیلی از چیزها؛ همراه کلام بوده و ظهور بخش به این کلام است و زمانی که این فضا جدا شد و درگذر نسل‌ها و قرن‌ها قرار گرفت؛ دیگر این ظهور درست نیست، آن فضا؛ ظهور به کلام می‌دهد، زمانی که آن فضا تمام شد؛ دیگر نمی‌تواند بفهمد که این کلام به چه معناست.

در اینجا یک تقریر هرمنوتیکی دارد و می‌گوید که کلام در یک متنی صادر می‌شود که بخشی از آن‌ها در درون گوینده است و نمی‌توان فهمید در درون او چیست، بخشی از آن‌هم قرائن خارجی است، اگر آن را بگوییم؛ مخاطبین هم به مراد متکلم پی نمی‌برند. قرائن بیرونی همیشه کلام را در برگرفته و زمانی که کلام را از آن شرایط برای مخاطبان دور یا نسل‌های بعد بیرون بیاوریم؛ فهم دقیق و ظهور کامل آن؛ میسر نیست.

### جواب

جواب قبلی که داده‌شده بود این بود که؛ متکلم به چه نحوی حرف‌هایش را تنظیم کرده است؟ یک‌بار متکلم؛ قرار بر این ندارد که آینده را ببیند و حرف‌هایش را از این زمینه‌ها و قرائن حالیه وقت صدور، جدا بکند، گاهی هم قرار متکلم بر این است که سخنی بگوید که همیشگی و برای نسل‌های آینده هم باشد و متکلم هم؛ متکلم محیط به همه ابعاد و جوانب کلام است، اگر قرار متکلم حالت اولیه باشد؛ به‌سادگی نمی‌توان گفت که؛ برای نسل آینده هم این کلام هست، اگر قرار متکلم این باشد که برای نسل‌های آینده هم این کلام هست، باید به مهندسی متکلم اعتماد کرد و در حد متعارف باید فحص بشود و به دست بیاید.

### دلیل چهارم: خطابات در «یا ایها الذین امنوا»

دلیل چهارم این است که؛ مشکلی که داریم؛ مشکل لفظی است و مخصوص آنجاهایی است که؛ خطابی در کلام باشد، مثل «یا ایها الناس»، «**یا ایها الذین آمنوا**»، در آنجایی که می‌فرمایند؛ «**وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ**»[[1]](#footnote-1)؛ درواقع یک خطاب منطوی وجود دارد، بعضی این دو را فرق می‌گذارند، در آنجایی که می‌فرمایند؛ «**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا كُتِبَ عَلَيكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِن قَبلِكُم لَعَلَّكُم تَتَّقونَ**»[[2]](#footnote-2) خطاب دارد، اما آنجایی که می‌فرمایند؛ «**وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ**»[[3]](#footnote-3) خطاب ندارد، می‎گویند که: «**وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ**»[[4]](#footnote-4)؛ همیشگی است، اما «**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا كُتِبَ عَلَيكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِن قَبلِكُم لَعَلَّكُم تَتَّقونَ**»[[5]](#footnote-5)؛برای مشافهین است، بعضی می‌گویند که؛ این‌ها باهم فرقی ندارد، به نظر بنده هم درست دومی است، حتی آنجایی هم که کلمه ***«* يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا**» ندارد؛ درواقع خطاب است، گاهی صحبت کردن؛ با جمله مطابقی و کلمه خاصه‌ای مثل **« يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا**» صادر می‌شود و گاهی هم **«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا*»*** نیست؛ اما درواقع با آن‌ها صحبت می‌کند و مشافه است.

استدلال چهارم این است که؛ خطاب؛ خواه معنای عام یا خاص بگیریم، خطاب ظهورش در مشافه است و خطاب نسبت به کسی که؛ اینجا نیست یا بخصوص کسی که الآن موجود نیست؛ عقلاً درست نیست و اگر هم عقلاً درست باشد؛ اما خلاف ظاهر است.

### جواب

جواب از استدلال چهارم این است که؛ عرفاً خطاب تابع این است که؛ ببینیم قرار متکلم چیست، اگر قرارش این باشد که وقتی صحبت می‌کند؛ نسل‌های بعدی را هم در بربگیرد؛ کلام برای نسل‌های بعدی هم حجت است، اما اگر قرارش برای مشافهین و حاضرین است که؛ فقط برای مشافهین حجت است و نسل‌های بعدی را در برنمی‌گیرد، اما اگر قرار خاصی نباشد و مطلق باشد، فقط خطاب برای کسانی هست که در جلسه حاضر هستند و مشافهین را در برمی‌گیرد.

### تأثیر قرار مخاطب در چهار استدلال ذکر شده

در همه این چهار استدلال دیده می‌شود که؛ اشکال عقلی یا منع قطعی ازنظر ظهورات برای بقا و شمول این ظهورات نسبت به آیندگان و حاضرین نیست، بلکه جایز است، منتهی در همه این‌ها برمی‌گردد به اینکه؛ متکلم و گوینده قرارش چیست و حق گوینده تا کجاست، گاهی اوقات گوینده؛ حق قانون‌گذاری برای نسل‌های بعدی ندارد، یا اینکه حق قانون‌گذاری دارد؛ اما بنا ندارد کلامش را برای نسل آینده بگوید، یا اینکه قرارش این است که نسل‌های آینده هم از این کلام بهره‌مند بشوند و برای آن‌ها این کلام حجت باشد.

اصل عقلایی این است که؛ وقتی کسی کتاب می‌نویسد؛ برای نسل‌های آینده هم هست، اما زمانی می‌گوییم که به این ظهور اعتماد بکن و به‌عنوان یک قانون به آن توجه بکن؛ نیاز به قرارهای پیش فرضی دارد و این را باید احراز بکنیم.

1. - سوره مبارکه آل‌عمران آیه 97 [↑](#footnote-ref-1)
2. -سوره مبارکه بقره آیه 183 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره مبارکه آل‌عمران آیه 97 [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره مبارکه آل‌عمران آیه 97 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره مبارکه بقره آیه 183 [↑](#footnote-ref-5)